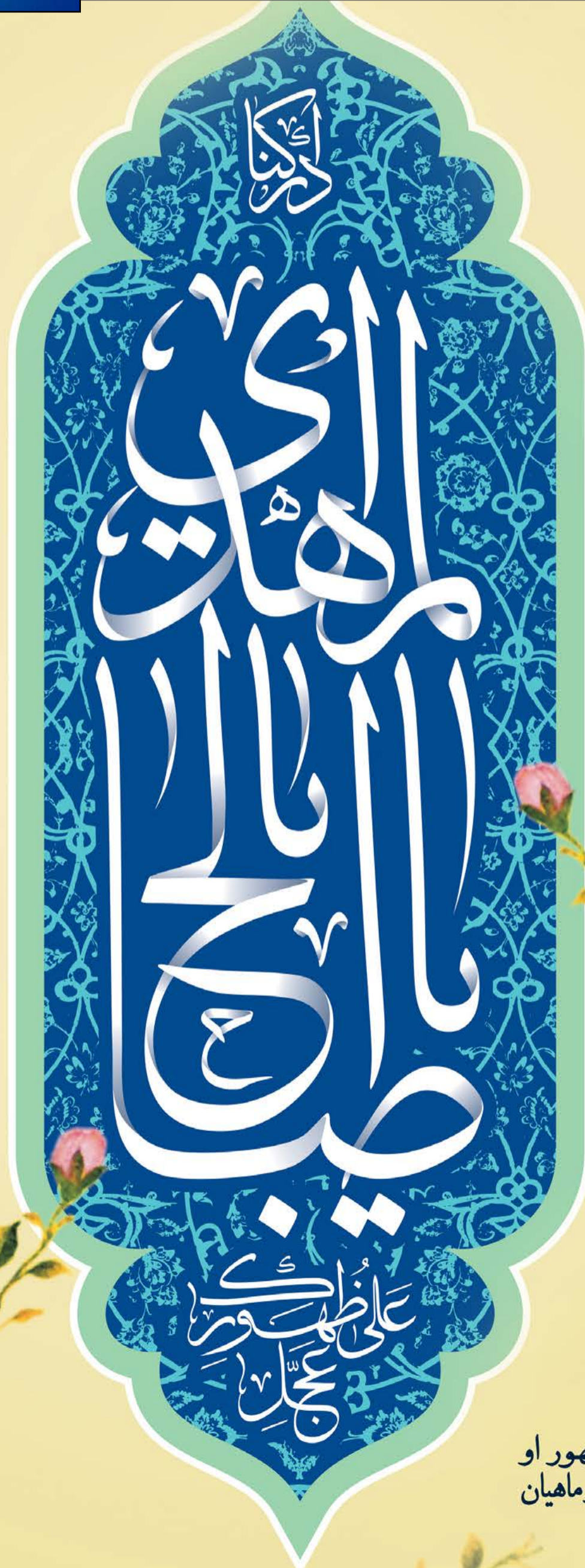




خبرنامه اطلاع رسانی داخلی  
دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم  
ویژه نامه آغاز امامت حضرت ولی عصر (عج)



امام صادق (ع):  
اهل آسمان و زمین به وسیله ظهور او  
خوشحال می شوند، پرندگان هوا و ماهیان  
دریا نیز با ظهور او شادی می کنند



فضیلت ماه ربیع مانند نامش بهار ماه‌های دوازده‌گانه است؛ چون ولادت رسول خدا(ص) در این ماه اتفاق افتاده است. هم‌چنین سالروز امامت ربیع الانام امام زمان در این ماه واقع شده است. در کتب ادعیه برای ماه ربیع‌الاول فضیلت و اعمالی ذکر گردیده است که برای آگاهی از آن می‌توانید به کتاب‌هایی مانند مفاتیح‌الجنان مراجعه فرمایید. قصد ما ایام آغاز امامت حضرت مهدی است که تقدیم محضرتان می‌شود.

### آغاز امامت، ولایت و خلافت حضرت بقیةالله(عج)

پس به شکرانه‌ی خلافت امام(ع) خدا را شکر گوید و از غیبت و دوری او اظهار تأثر نماید و زمان ظهور و فوایدی که از آن عاید می‌گردد و انوار و خیرات و برکاتی که به مردم می‌رسد به یاد آورد. (ملکی تبریزی، المراقبات، ص ۷۵)

آیت‌الله صافی همواره در سخنان خود به گرامیداشت نهم ربیع‌الاول سالروز آغاز امامت حضرت مهدی(عج) تأکید دارند و بیان داشتند: این روز از ایام‌الله و روز بسیار بزرگی است. برنامه این روز، باید با عظمت بسیار و شکوه فراوان انجام شود تا مردم با این روز مقدس، و امر مبارک آشنا شوند. ملت شریف ایران و تمام شیعیان جهان افتخار دارند که چنین روز بزرگی را جشن گرفته، و آن را عزیز و گرامی می‌دارند.

### روزشمار ربیع

در آن ایام، تاریخ مسایلی را به خود دیده است که دانستن آن برای ما اهمیت دارد. ابوسهل نوبختی می‌گوید: پس از آن که معتمد عباسی، امام عسکری را به زهر مسموم کرد، من به خدمت امام عسکری شرفیاب شدم، لحظه‌ای بود که فرزند امام عسکری(ع) هم بر پدر وارد شده بود. امام حالش منقلب بود و شدیداً ضعیف شده بودند به گونه‌ای که وقتی ظرف آب را برای نوشیدن به امام عسکری(ع) دادند، قدرت نگهداری ظرف آب را نداشت و می‌لرزید و دندان‌های امام عسکری که به کاسه نزدیک شده بود به هم می‌خورد و من صدایش را می‌شنیدم. در این لحظه امام مهدی(ع) وارد شد، به محض این که چشم امام عسکری به امام زمان افتاد، بسیار خوشحال شد اما لحظه‌ای گریست و بعد او را به عنوان آخرین وصی رسول‌الله و آخرین امام مؤمنین و به عنوان حجت بر حق خدا معرفی کرد و وصیت و سفارش خود را به امام زمان نمود. در این لحظه گویی احساس شد لحظه آغاز قبول مسؤلیت امامت امام زمان بود.

بعد امام عسکری رو به فرزندش کرد و فرمود: «یا سید اهل بیت! اسقنی بالماء فانی ذاهب الی ربی؛ ای بزرگ خاندان خودت! آبی به من بنوشان؛ زیرا من به زودی به سوی پروردگارم خواهم شتافت». (شیخ عباس قمی، منتهی الامال، ص ۴۲۷)

امام زمان(عج) هم آب را به دست پدرش داد و بعد به پدرش کمک کردند تا او وضو بسازد. صحبت‌هایی هم بین امام عسکری و امام زمان صورت گرفت آن‌گاه امام عسکری(ع) به درجه رفیع شهادت نایل گشتند.

البته مسائلی دیگر هم در این دوران اتفاق افتاد که بسیار حایز اهمیت است. «ابوالادیان» یکی از خدمتگزاران و یکی از دوستان نزدیک امام عسکری(ع) می‌گوید: من نامه‌های حضرت را به شهرها و اطراف می‌بردم. در آخرین بیماری حضرت به حضورش شرفیاب شدم. نامه‌هایی را به من داده و فرمودند: به مدائن برو. مسافرت تو پانزده روز طول می‌کشد و روز پانزدهم به سامرا می‌آئی و در خانه من صدای گریه و ناله می‌شنوی و مرا در حال غسل دادن می‌بینی. ابوالادیان گوید: عرض کردم: آقای من در این صورت امام بعد از شما کیست؟ حضرت فرمود: هر کس پاسخ نامه‌های مرا از تو خواست، قائم بعد از من خواهد بود. عرض کردم: نشان بیشتری بدهید. فرمود: هر کس بر بدن من نماز بخواند قائم بعد از من خواهد بود. عرض کردم: بیشتر بفرمائید. فرمود: آن کس که از داخل همیان و کیسه خبر دهد قائم بعد از من است. هیبت حضرت مانع از این شد که من از آن چه

منکر موجود او شده و گفت: حامله است، و بدان وسیله وجود او را مخفی کرد. او را به قاضی ابن ابی‌الشوراب سپردند تا این که بعد از وضع حمل، بچه‌اش را بکشند. ولی مرگ ناگهانی عبیدالله بن یحیی بن خاقان و خروج صاحب‌الزنج در بصره باعث شد که این مسئله تحت‌الشعاع قرار گیرد و از آن کنیز دست بردارند و از دست آن‌ها نجات یافت. (شیخ صدوق، کمال‌الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۷۵؛ باب ۴۳، ج ۲۵)

### بیعت با نور یا نار

واژه‌ی «بیعت» در فرهنگ واژه‌شناسان به مفهوم «پیمان بستن برای فرمان‌برداری و اطاعت»، «سرکشی و گردنفرازی نکردن» و «در اندیشه‌ی نقشه و توطئه بر ضد حق و عدالت نبودن» است. (قزوینی، امام مهدی از ولادت تا ظهور، ص ۶۵۰)

معنای بیعت در قرآن، روایات، تاریخ، کلام و فقه سیاسی اسلام، عقد و پیمانی است که فرد بیعت کننده با امام، حاکم یا شخصی دیگر می‌بندد تا در موضوعی خاص یا به‌طور عام مطیع و فرمان‌بردار وی بوده به مفاد تعهد خود ملتزم و وفادار بماند. (مکارم، انوار الفقاهة: کتاب البیع، ج ۱، ص ۵۱۷)

پیش از اسلام، رسم بیعت برای پذیرش رئیس قبیله یا انتصاب یک فرد به منصبی مهم متداول بوده است. (شهیدی، «بیعت و چگونگی آن در تاریخ اسلام، ص ۱۲۵) در این رابطه به بیعت قریش و بنی‌کنانه با قُصی بن کلاب، جدّ اعلای پیامبر(ص)، در پیش از اسلام می‌توان اشاره کرد.

نخستین بیعت در سیره نبوی، بیعت حضرت علی(ع) و حضرت خدیجه(س) با آن حضرت پس از قبول اسلام است. (مجلسی، بحار ج ۶۵، ص ۳۹۲)

از آغازین بیعت‌ها در عصر پیامبر «بیعت عشیره» در سال سوم بعثت در «یوم النّار» است. در این روز، رسول اکرم(ص) به فرمان الهی خواستار پذیرش اسلام و بیعت از سوی بنی هاشم شد و به موجب احادیث شیعه و اهل سنت، تنها حضرت علی(ع)، که کم‌سن‌ترین فرد خاندان بود، با پیامبر(ص) بیعت کرد. (ابن جریر، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۳۱۹)

دو بیعت مهم دیگر که در مکه روی داد، بیعت نخستین عقبه در سال ۱۲ بعثت و بیعت دوم عقبه در ۱۳ بعثت بود که هر دو در موسم حج در محل عقبه(مکانی در میانه راه مکه و منا) صورت گرفت. این دو بیعت، به ویژه بیعت دوم، زمینه ساز هجرت حضرت رسول به مدینه شد. (قاسمی، نظام‌الحکم فی الشریعة و التاریخ الاسلامی، ج ۱، ص ۲۵۳)

که در همیان است بیرسم - نامه‌ها را به مدائن برده و جواب‌های آن‌ها را گرفته و روز پانزدهم همان‌گونه که حضرت عسکری(ع) فرموده بود، وارد سامرا شدم. صدای گریه و زاری از خانه حضرت بلند بود و جعفر بن علی برادر حضرت را دیدم که بر در خانه ایستاده و شیعیان اطراف او را گرفته و به او تسلیت و تهنیت می‌گویند.

با خود گفتم: اگر این شخص امام باشد معلوم می‌شود که امامت تغییر یافته است. زیرا من او را می‌شناسم. جلو رفتم و به او تسلیت و تهنیت گفتم. چیزی از من نپرسید. بعد از منزل بیرون آمدم و گفتم: آقای من برادرتان کفن شده، برای نماز خواندن بر او حرکت کن. جعفر بن علی در حالی که عده‌ای از شیعیان اطرافش را گرفته و سمان و حسن بن علی معروف به سلمه، که علی پدرش به دست معتمد کشته شده بود، در جلو او حرکت می‌کردند، برای نماز خواندن وارد شد. وارد خانه که شدیم، دیدیم جنازه حضرت عسکری(ع) کفن شده و آماده است. جعفر برای نماز خواندن جلو رفت، همین که خواست تکبیر بگوید، کودکی گندم‌گون، پیچیده موی، گشاده دندان، مانند پاره ماه بیرون آمد. عبای جعفر را گرفته و به یکسو زد و فرمود: عمو کنار برو، من به نماز خواندن بر جنازه پدرم سزاوارتر می‌باشم. جعفر به یکسوی رفت در حالی که رنگ صورتش پریده بود. آن کودک جلو رفتم و بر بدن پدر نماز خواند و او را در کنار قبر پدر بزرگوارش دفن کرد. بعد فرمود: ای بصری پاسخ‌های نامه‌هایی را که با تو هست، بده. آن‌ها را به آن حضرت دادم و با خود گفتم: این دوعلامت سومین نشانه که همیان باشد باقی مانده است. بعد نزد جعفر بن علی رفتم در حالی که به شدت آه می‌کشید حاجز و شاه به او گفت: آقای من این کودک که بود؟ تا حجت را بر او تمام کند. گفت: به خدا قسم تاکنون او را ندیده و نمی‌شناختم. ما نشسته بودیم که عده‌ای از اهالی قم وارد شده و جوایب حال حضرت عسکری(ع) شده و از شهادت حضرت آگاه گشته و گفتند: امام بعد از آن حضرت کیست؟ مردم آنان را به سوی جعفر بن علی راهنمایی کردند بر او سلام داده و تسلیت و تهنیت گفتند. و اظهار داشتند که نامه‌ها و اموالی را با خود آورده‌اند، بگو این‌ها از کیست؟ و مقدار مال چیست؟ جعفر از جا برخاسته در حالی که لباس‌هایش را تکان می‌داد، می‌گفت: از ما علم غیب می‌خواهند. بدخادم از خانه حضرت بیرون آمده و گفتم: با شما نامه‌های فلانی و فلانی است و همیانی است که هزار دینار در آن است. ده دینار آن سکه‌اش پاک شده است. آن‌ها نامه‌ها و اموال را دادند و گفتند: آن کسی که تو را بخاطر این‌ها فرستاده است امام می‌باشد. جعفر به نزد معتمد رفته و پرده از روی این راز برداشت. معتمد عده‌ای از نوکرانش را فرستاده صیقل کنیز حضرت عسکری(ع) را گرفته، کودک را از او خواستند. وی

و از جمله بیعت‌هایی که در مدینه صورت گرفت، بیعت مسلمانان با رسول اکرم (ص) هنگام حرکت به سوی بدر در ابتدای هجرت بود. (ابن جریر، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۶۳۳)

بیعت رضوان یا شجره نیز در سال ششم هجرت در حدیبیه صورت گرفت. (حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۵۲) در آیات ۱۰ و ۱۸ سوره فتح، از این بیعت سخن رفته و در آیه ۱۰ بیعت با پیامبر (ص)، بیعت با خداوند خوانده شده و ضمن نکوهش بیعت‌شکنی (نُکث)، برای وفاکنندگان به عهد و بیعت، پاداش اخروی مقرر شده است. در آیه ۱۸، با اعلام رضایت الهی از آن بیعت، به مؤمنان بیعت‌کننده وعده پیروزی نزدیک داده شده است.

دیگر بیعت مردان و زنان با پیامبر (ص)، در فتح مکه در سال ۸ هجرت بود که آیه ۱۲ سوره ممتحنه بدان اشاره می‌کند. در این آیه از پیامبر (ص) خواسته شده که از زنان مکه که ایمان آورده بودند، بیعت بگیرد. موضوعات این بیعت، که در کتب تفسیر، حدیث و تاریخ به بیعت زنان (بیعة النساء) شهرت دارد، بدین شرح است: دوری از شرک، پرهیز از دزدی و فحشا، نکشتن فرزندان خود، نسبت ندادن اولاد دیگران به همسران خود و مخالفت نکردن با پیامبر (ص) در کارهای نیک. (تاریخ طبری، ج ۳، ص ۶۲؛ جامع البیان، ج ۲۸، ص ۵۱؛ تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۶۴؛ المغازی، ج ۲، ص ۸۵؛ ۱۶۹؛ الجنان، ج ۱۹، ص ۱۶۹)

درباره نحوه بیعت زنان با پیامبر مشهورترین قول آن است که ابتدا پیامبر دست خود را در تشت آبی قرار می‌داد و مفاد بیعت را بیان می‌کرد و سپس زنان با قرار دادن دست خود در تشت آن را می‌پذیرفتند. (کنانی، نظام الحکومه النبویه ج ۱، ص ۲۲۲)

بنابر برخی احادیث، گاه بیعت زنان با آن حضرت صرفاً به صورت کلامی و لفظی بوده است. (کنانی، نظام الحکومه النبویه ج ۱، ص ۲۲۲)

آخرین بیعت زمان پیامبر (ص)، بیعت مسلمانان با حضرت علی (ع) در روز هجدهم سال دهم هجرت در محلی به نام غدیر خم بود؛ موضوع این بیعت، ولایت و جانشینی حضرت علی (ع) بعد از پیامبر (ص) بود. (تستری، بهج الصباغة فی شرح نهج البلاغه، ج ۶ ص ۲۸۸۲۸۹)

رسم بیعت پس از رحلت پیامبر (ص) نیز برقرار ماند. اما ویژگی این بیعت‌ها آن بود که معمولاً یک فرد را به عنوان خلیفه پیامبر و حاکم اسلامی، برمی‌گزیدند و سپس گروهی خاص یا عموم مردم با او بیعت می‌کردند. نقطه آغاز این تحول، ماجرای سقیفه بود؛ در روز رحلت پیامبر (ص)، ابتدا عده‌ای از سران مهاجر و انصار در محلی به نام سقیفه بنی ساعده با کنار زدن سعد بن عباد با ابوبکر بیعت، و خلافت وی را تحکیم کردند، و سپس با عده‌ای از مردم به اکراه اجبار بیعت گرفته شد. (مسعودی، مروج الذهب،

ج ۲، ص ۳۱۲، ۳۴۰) عمل بیعت با خلیفه درباره خلفای بعدی، نیز به همین روال انجام شد و به صورت رسم سیاسی درآمد. (زحیلی، الفقه الاسلامی و ادلته، ج ۶، ص ۶۹۲)

بعد از ۲۵ سال مردم با امام علی (ع) که با اصرار فراوان آن‌ها امور را به دست گرفت، در مسجد بیعت کردند (ابن شهر آشوب، مناقب، ج ۴، ص ۲۸) و پس از شهادت وی، با امام حسن (ع) بیعت نمودند.

رسم بیعت با خلیفه با تغییراتی در شکل و محتوا در دوران امویان و عباسیان استمرار یافت. هرچند در زمان خلافت خلفای نخستین، اخذ بیعت گاهی با اکراه همراه بود، از هنگام فرمانروایی معاویه، دگرگونی عمده‌ای در عناصر ماهوی و شکلی بیعت آغاز شد؛ به طوری که بسیاری از نویسندگان اهل سنت هم برآن‌اند که معاویه برای تحکیم خلافت خود و خاندانش و بیعت گرفتن از مردم برای شخص خود و فرزندش یزید، از عوامل گوناگونی مانند اعمال قدرت، تهدید، تلمیح، وعده حکومت، ایجاد اختلاف و توطئه بهره می‌جست. (عبدالمجید، البیعة عند مفکرى اهل السنة و العقد الاجتماعی، ص ۶۰۶)

به تدریج، ماهیت بیعت کاملاً با اکراه و اجبار آمیخته شد و در واقع آن چه مطرح بود بیعت گرفتن بود نه بیعت آزاد و با اختیار؛ (کنانی، نظام الحکومه النبویه، کنانی، ج ۱، ص ۲۲۳) چنان‌که یزید به کارگزار خود در مدینه، ولید بن عتبه، دستور داد که امام حسین (ع) و ابن زبیر و چند شخص دیگر را بازداشت کند تا بیعت کنند، و هر کس بیعت نکند، سرش را برای او بفرستد. (ابن جریر، تاریخ طبری، ج ۵، ص ۳۳۸) بیعت در این دوران، جنبه تشریفاتی نیز یافت؛ چنان‌که گرفتن بیعت، هم به هنگام آغاز حکومت یک خلیفه برای اعلام وفاداری به او، معمول بود. (ابن جریر، تاریخ طبری، ج ۷، ص ۳۱۱، ۴۷۱، ج ۶، ص ۴۲۳) و هم در زمان حکومت یک خلیفه برای خلافت جانشین یا جانشینانش. (مسعودی، مروج الذهب، ج ۴، ص ۲۱۱-۲۱۰) چه بسا بیعت‌ها، به ویژه در آغاز حکمرانی یک خلیفه، در برابر وعده و صرف پول و مال صورت می‌گرفت، به طوری که مخارج بیعت مقتدر عباسی سه میلیون دینار شده بود. به علاوه، در هنگام استقرار یک خلیفه مبلغی به عنوان «رزق البیعه» در برابر بیعت به لشکریان داده می‌شد. (قاسمی، نظام الحکم فی الشریعة و التاریخ الاسلامی، ج ۱، ص ۲۸۶)

به نظر می‌رسد راغب اصفهانی ذیل کلمه بیع، به همین مفهوم از بیعت نظر داشته که بیعت را «بذل طاعت در برابر بخشش اندک» معنی کرده است. بیعت اختصاصی فرماندهان نظامی و لشکریان خلیفه، از دوره خلافت منصور، مهدی و عیسی عباسی گزارش شده است. (قاسمی، نظام الحکم فی الشریعة و التاریخ الاسلامی، ج ۱، ص ۲۹۰-۲۹۱)

گاه بیعتی که برای جانشین یک خلیفه گرفته شده بود، از سوی خود خلیفه نقض و جانشین دیگری تعیین می‌شد.

(ابن جریر، تاریخ طبری، ج ۸، ص ۹)

### بیعت با نور یا نار

ما با خدا عهد و پیمان داریم که خداوند می‌فرماید «و به عهد الهی چون پیمان بستید وفا کنید.» (سوره نحل، آیه ۹۱) امام صادق (ع) در تفسیر این آیه می‌فرماید: «همانا عهد در نزد خداوند، پذیرش ولایت امیرالمؤمنین (ع) و امامان بعد از اوست.» (کافی، ج ۱، ص ۲۲۱)

پس ما عهد و پیمان با ائمه داریم که امام صادق (ع) فرموده: «ما همان عهد و پیمان خداییم، هر کس به عهد ما وفا کند به عهد الهی وفا کرده است و هر کس با ما پیمان بشکند با خداوند پیمان شکسته است.» (کافی، ج ۱، ص ۲۲۱)

### بیعت با آغاز

شیعیان در طول تاریخ با شروع امامت و ولایت معصومین بیعت داشته و الان که بیش از هزار سال از آغاز امامت حضرت مهدی می‌گذرد برای ما تجدید عهد و پیمان با حضرت ولی عصر (عج) مطرح می‌باشد که در دعای عهد می‌گوییم:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعِدُّ لَكَ فِي صَبِيحَةِ يَوْمِي هَذَا وَمَا عَشْتُ مِنْ أَيَّامِي عَهْدًا وَعَقْدًا وَبَيْعَةً لَكَ فِي عَقِي

پروردگارا! من در صبح همین روزم و تمام ایامی که در آن زندگی می‌کنم با او تجدید می‌کنم عهد خود و عقد و بیعت او که بر گردن من است. (دعای عهد، مفاتیح الجنان)

عهد با امام که از معرفت و محبت به امام، جاری می‌شود، زمینه‌ساز همراهی با امام می‌شود.

عهد التزام خاص و نوعی تعهد پذیری در مقابل شخص یا کاری است، باید خود را نسبت به وظایفی که به امام داریم ملتزم سازیم و با او برای انجام خواسته‌ها و آرمان‌هایش عهد ببندیم. (عهدا) و این عهد را با وسایل و اسبابی محکم کنیم. (عقدا) و در نهایت با او بیعت کرده و دست در ست او نهاده و دل به مهر او بسپاریم. (بیعة)

### بیعت حاضر

در طول تاریخ بیعت با وکیل یا نایب خاص صورت می‌گرفته است، از جمله در بیعت زنان با حضرت علی (ع) به نیابت از پیامبر (ص) در حدیبیه، (مفید، الارشاد، ص ۶۳) بیعت مردم کوفه با مسلم بن عقیل به نیابت از امام حسین (ع). (مسعودی، مروج الذهب، ج ۳، ص ۶۴)

الآن در عصر غیبت بیعت و اطاعت از ولی فقیه (نیابت عامه) (بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۸۱) ضروری است. به نظر شما چه کسانی می‌توانند در عصر ظهور، توفیق عهد و پیمان با ایشان را پیدا می‌کنند؟

بی شک کسانی می‌توانند در عصر ظهور به عهد با ولی خدا عمل کنند که در عصر غیبت به عهد و پیمان‌های خود با امام (ع) و جانشینان او عمل کرده باشند.

مناسب است بیعت‌نامه شهید آوینی به مقام معظم رهبری را مرور کنیم:

«ما با حضرت تعالی به عنوان وصی امام امت؛ و نایب امام زمان (عج) تجدید بیعت کرده‌ایم و تا بذل جان در راه اجرای فرامین شما ایستاده ایم، همانگونه که پیش از این درباره امام امت بوده‌ایم و بسیاری هنوز جوانانی که عشق به اسلام و شور رضوان حق آنان را در میدان انقلاب نگاه داشته باشد، با همان شوری که پیش از این داشته‌اند، خدا شاهد است که این سخن از سر کمال صدق و از عمق قلوب همان جوانانی سرچشمه گرفته است که در تمام این هشت سال بار جنگ بر شانه‌های ستبر خویش کشیدند. ما به جهاد فی سبیل الله عشق می‌ورزیم. و این امری است فراتر از یک انجام وظیفه خشک و بی‌روح. این سخن یک فرد نیست، دست جماعتی عظیم است که به سوی حضرت شما دراز شده تا عاشقانه بیعت کند، بسیاری کسانی که می‌دانند شمشیر زدن در رکاب شما برای پیروزی حق از همان اجری در پیشگاه خدا برخوردار است که شمشیر زدن در رکاب حضرت حجت (عج) و نه تنها آماده که مشتاق بذل جان هستند. سر ما و فرمان شما، کمترین مطیع شما سید مرتضی آوینی.»

